

شرق روزنامه

نگاه

در آینده سوریه

جایی برای ترکیه و عربستان وجود ندارد

اردشیر زارعی قنوتی؛ در هفته‌های اخیر بازار بحث و گمانه‌زنی حول تحولات سوریه به‌ویژه بعد از خروج بخشی از نیروهای روسیه از این کشور داغ شده است. بسیاری از خبرگزاری‌ها و جریان اصلی رسانه‌های بین‌المللی در شرایطی این خروج نسبی نظامی مسکو از سوریه را به منزله یک معامله پشت پرده بین مسکو – واشنگتن برای تقسیم کیک قدرت در سوریه دانسته‌اند که اساس تحلیل خود را از همان ابتدا بر یک پایه اشتباه گذاشته‌اند. این در حالی است که ورود روسیه به متن تحولات سوریه و اقدام به اعزام نیروهای هوا– فضای روسی به این کشور از همان ابتدا بنا بر گفته مقامات ارشد مسکو و ازجمله «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری این کشور، حمایت از «بشار اسد» در مقابل تروریسم، تغییر معادلات نظامی به منظور تسهیل مذاکرات سیاسی، مبارزه با تروریسم قفقازی در آزمایشگاه جنگی سوریه و مهم‌تر از همه تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی و رقابت‌های ژئوپلیتیک بوده است. به دستور پوتین دقیقاً در شرایطی که دمشق در موقعیت برتری نسبت به مخالفان مسلح قرار گرفته، رقبای منطقه و بین‌المللی روسیه با حرکت مهره روسی در شطرنج سیاسی – نظامی حوزه بحران در موقعیت کیش و مات قرار گرفته‌اند. تضاد بین محور عربستان، ترکیه و قطر به‌عنوان حامیان اصلی مخالفان مسلح اسد با متحدان غربی به‌شدت افزایش یافته است و تقریباً به لحاظ منطقه‌ای، مسکو در دستیابی به اهداف خود پیروز شده و در عرصه سیاسی نیز توانسته است در افکار عمومی جهانی از خود یک چهره مثبت به تصویر بکشد. اما در این بین یک واقعیت سیاسی وجود دارد که برخلاف این گمانه‌زنی‌ها ریشه در منطق سیاسی جهت‌ترسیم یک «نقشه راه» تازه برای پذیرش واقعیات عینی در چارچوب منافع طرف روسی و ایجاد توازن حول تناسب قوا در عرصه داخلی و خارجی سوریه خواهد داشت.

به‌یقین هم‌اکنون تمام بازیگران داخلی و خارجی حاضر در بحران سوریه به‌خوبی می‌دانند که هیچ‌کدام از طرفین منازعه در این جنگ فرقه‌ای و داخلی پیروزی کامل را به دست نخواهد آورد. به همین دلیل برای حفظ ثبات و پایان‌دادن به این وضعیت مخرب و آتارشیک که تمام منطقه را تهدید می‌کند، تئدر راه‌حل‌های سیاسی و به‌رسمیت‌ناختن جایگاه تمام نیروهایی که حاضر به گسست ارتباطی با بخش تروریستی جبهه مخالفان باشند، در یک مصالحه ملی با حمایت قدرت‌های منطقه و بین‌المللی قابل‌وصول خواهد بود. به همین دلیل در شرایط کنونی استراتژی نظامی – سیاسی روسیه به دلیل واقع‌نگری و پراگماتیسم حاکم بر آن، وضعیت را از شرایط کاملاً جنگی به سوی مذاکرات سیاسی و مصالحه ملی پیش برده است. پذیرش این وضعیت از سوی آمریکا و اتحادیه اروپایی نیز جدا از واقعیات عینی متن بحران سوریه در ماه‌های اخیر با ورود موضوعاتی مانند موج جدید مهاجران به سمت اروپا و تهدیدات تروریستی که به‌ویژه در پاریس و بروکسل فاجعه آفرید و گروه «داعش» رسماً مسئولیت آن را بر عهده گرفت، زنگ خطری بود که «صدای سورایی» آن در تمام پایتخت‌های غربی به‌خوبی شنیده شد. از طرف دیگر روس‌ها با انیزوله‌کردن ترکیه در نقش‌آفرینی حول بحران سوریه که با سرنگون‌کردن سخوی روسی از طرف ترک‌ها انجام شد، بهانه لازم را برای به‌حاشیه‌راندن آنکارا که بیشترین نقش را در حمایت لجستیک مخالفان مسلح، ترانزیت تروریست‌های خارجی به سمت سوریه و همدستی در قاچاق نفت داعش برای تأمین مالی تروریسم جهادی داشت، کسب کردند. در سوی دیگر ماجرا، موقعیت کردهای سوریه ازجمله «یگان‌های مدافع خلق» که بعد از حماسه «کوبانی» به اعتبار بی‌دبلی در عرصه بین‌المللی دست یافته و با حمایت دو جانبه پوشش‌هایی آمریکا و کمک‌های همه‌جانبه روسیه که به‌نوعی همسویی ارتش حامی اسد را به همراه داشت و توانستند تقریباً تمام خطوط مرزی با ترکیه را به تصرف در آورده و نقل و انتقال تروریسم و سلاح از سوی این کشور به گروه‌های تروریستی را تقریباً قطع کنند نیز در این چکنار جدید نقش اساسی داشته است. تجمع تمام این عوامل در کنار تحولات دیگری که هم‌زمان در عرصه بین‌المللی رخ داد و از جمله بعد از توافق هسته‌ای با ایران (برجام) توانست جایگاه تهران را به‌عنوان یک بازیگر بین قدرت‌های جهانی تا حدودی تثبیت کند، موجب یک تغییر موازنه شد که نتایج آن اکنون خود را نشان می‌دهد.

هم‌زمان با تحولات جدیدی که شکل گرفته است و حتی بعد از خروج بخشی از نیروهای هوا – فضای روسیه از میدان عملیاتی سوریه، ارتش این کشور با حمایت هوایی روس‌ها و در زمین با حمایت و هماهنگی نیروهای شبه‌نظامی توانست با طرافت خاصی که موجب اعتباربخشی به دولت اسد شد، شهرهای مهم «پالمیرا» به‌عنوان میراث باستانی جهانی و «قرین» به‌عنوان یکی از پل‌های ارتباطی داعش بین سوریه و عراق را تصرف کند. این موقعیت‌های ارتش سوریه در شرایطی که همچاک از عقب‌نشینی روسیه و بروز اختلاف بین مسکو – دمشق سخن می‌گفتند، به‌خوبی نشان داد استراتژی چندجانبه روسیه در هماهنگی با دولت دمشق و متحدان منطقه آن، همچنان با متغیرهای جدیدی دنبال می‌شود. از طرف دیگر سمت‌گیری کانونی ائتلاف دمشق‌ی به سوی متصرفات داعش در هفته‌های اخیر توانست دامنه انتقاداتی که در زمان پاک‌سازی حومه شرقی و شمالی «حلب» متوجه اسد بود را به طرف تمجید و پذیرش این اقدام جلب کرده و اسد و حامیان او را در جایگاه بزرگ‌ترین رانانوی مبارزه با تروریسم و داعش قرار دهد. به همین دلیل برخلاف هرگونه گمانه‌زنی رسانه‌ها در وضعیت کنونی، حتی برای واشنگتن نیز حذف اسد حداقل در کوتاهمدت خارج از منطق سیاسی و منافع ژئوپلیتیک تلقی می‌شود و در طول مذاکرات و توافقات احتمالی با حفظ ساختار موجود در یک پروسه دموکراتیزاسیون تنها می‌توان احتمال کناره‌گیری یا تقسیم قدرت با ایوزیسیون غیرمسلح را در آینده سوریه متصور بود. هم‌اکنون برای بازیگران عرب و ترک منطقه که در این سال‌ها با حمایت از گروه‌های تروریستی و تحرکات مخرب و بی‌ثبات‌کننده خود هزینه سنگینی بر منطقه و حتی جهان تحمیل کرده‌اند، شاید این یک پیام رسا و روشن باشد که در آینده سوریه جایی برای آنان وجود ندارد و هرگونه تحولی در راستای دموکراتیزاسیون و تقسیم قدرت در غیاب این محور شرورانه انجام خواهد شد.

یادداشت

معمای یک رئیس‌جمهور

جدای از توافق آنکارا و اتحادیه اروپا در مسئله مهاجرت گسترده از آسیا به اروپا، نارضایتی گسترده‌ای علیه ترکیه تحت دولت «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور این کشور، شکل گرفته است؛ نارضایتی‌ای که با شور و شفع اوایل روی‌کارآمدن حزب «عدالت و توسعه» در آسمان سیاسی ترکیه تعارضی کاملاً آشکار دارد.

باین‌حال به دلیل نقش کلیدی ترکیه در خاورمیانه، رئیس‌جمهور آمریکا درصدد حفظ ظاهر به برآمد و در حاشیه نشست امنیت هسته‌ای در واشنگتن به منظور گفت‌وگو درباره مسائل امنیتی با اردوغان دیدار کرد. درهمین‌حال اردوغان در مصاحبه خود با شبکه خبری «سی‌ان‌ان» تأکید کرد با رسانه‌ها در جنگ نیست و انتقادپذیر است. باین‌حال زمانی که او در حال سخنرانی در مؤسسه «بروکنیگز» بود، محافظانش به دو خبرنگار ترکیه‌ای منتقد حمله و سعی کردند مانع از ورود یکی از آنها به محل برگزاری سخنرانی اردوغان شوند. به‌هرحال اما پس از وقایعی که در سفر اردوغان به اکوادور رخ داد، چنین حوادثی دیگر تعجب‌آور نیست.

در ماه فوریه محافظان اردوغان به گروهی از زنان معترض در اکوادور حمله کردند؛ اقدامی که منجر به اعتراض دولت اکوادور به رفتار «غیرمستولانه» آنها شد. در داخل ترکیه هم وضعیت به همین منوال است. پس از فاجعه معدن در سوما

در ماه می سال گذشته، اردوغان مجدداً از این شهر بازدید کرد اما این بار پس از حمله اعتراضات مجبور شد در سوپرمارکتی پناه بگیرد، جایی که ادعا می‌شود اردوغان به یکی از مشتریان حمله کرده و علاوه بر این، تصاویری از حمله نیروهای پلیس به معترضان منتشر شد. با توجه به سوابق ترکیه در سرکوب اعتراضات، بدون‌شک تصویب طرح اخیر کاستاریکا، سوئیس و ترکیه کنایه‌آمیز به نظر می‌رسد. براساس طرح این سه کشور که به تصویب شورای حقوق‌بشر سازمان ملل رسید، همه کشورها باید

فضایی امن و ممکن برای افراد و گروه‌ها جهت احقاق حقوق خود از طریق آزادی برگزاری تجمعات و بیان مهیا کنند. در پرونده‌ای دیگر، ترکیه که نخست‌وزیر سابقش اردوغان زمانی روابطی بسیار دوستانه با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، داشت، سرنگون‌کردن جنگنده روسی در مرز ترکیه و سوریه، دوره‌ای از روابط خصمانه را با روسیه تجربه می‌کند؛ اقدامی که سرگنی لاوروف آن را «اقدام تحریک‌آمیز برنامه‌ریزی‌شده»

توصیف کرد. علاوه بر لاوروف، پوتین، خسته از بزرگ‌نمایی‌های اردوغان، هشدار داد ترکیه بیش از اینها «از خجری که از پشت» به روسیه زده، پشیمان خواهد شد و اکنون تحریم‌های روسیه آغاز راه همین پشیمانی است. سفر اخیر جان کری، وزیر خارجه آمریکا، به مسکو نیز نشان‌دهنده افزایش منافع مشترک بین این دو ابرقدرت است. تا جایی که به سوریه مربوط می‌شود، روسیه این قدرت را دارد تا جنگنده‌های دولت ترکیه را به عقب‌نشینی وادارد اما چه کسی توانایی کنترل اردوغان را خواهد داشت؟ منابع گسترده نفت و گاز در شرق مدیترانه از اهمیت استراتژیکی برخوردار است و سؤال یک میلیارد دلاری اکنون این است که آیا یک خط لوله از اسرائیل به ترکیه برای انتقال گاز به این کشور کشیده می‌شود یا نه. باز هم پاسخ به این سؤال به روابط قبرس و اسرائیل با ترکیه در آینده موکول می‌شود. حالا سؤال دیگر این است که آیا اکنون واقعا کودتایی علیه اردوغان در جریان است؟ این ادعا را رئیس‌دفتر اردوغان در وب‌سایش مطرح و تأکید کرد این ادعا، بی‌اساس اما ممکن است.



«فیودور لوکیانوف»، رئیس شورای سیاست‌گذاری خارجی و دفاعی روسیه در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد:

«پوتین» حرف اول و آخر را در روسیه می‌زند

به تقویت ثبات عمومی بینجامد. از دید مسکو هرگونه جاه‌طلبی برای بهبود وضعیت ملت‌ها منجر به انفجار کنترل‌نشده سیاسی و اجتماعی و ازهم‌پاشیدن نهادهای می‌شود که بهترین فرصت را برای تروریست‌ها به منظور پرکردن خلا فراهم خواهد کرد. رویکرد غرب اما متفاوت است و بر این پیش‌فرض قرار دارد که حکومت‌های بد را باید با حکومت‌های خوب دموکراتیک جایگزین کرد. به همین خاطر بود که روسیه باور داشت نباید بیش از اندازه خواستار تغییر وضع موجود شد درحالی‌که شعار غرب این بود که دیکتاتور باید برود.

❧ آیا فکر می‌کنید رئیس‌جمهوری روسیه امتیازی مهم از غرب دریافت کرده که دستور خروج نیروهای تحت فرمانش از سوریه را صادر کرد؟ به نظرتان این امتیاز چه بوده است؟ برخی تحلیلگران باور دارند که تشدید تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت انگیزه اصلی او در اتخاذ این تصمیم بوده است. ارزیابی شما در این‌باره چیست؟

خیر، موضوع نه تحریم‌ها بوده و نه قیمت نفت. روسیه از طریق مداخله پاییز گذشته خود در سوریه به تمام اهدافش دست یافت. دولت

از نقطه‌نظر مسکو حمایت از دولت‌های مشروع، حتی آنهایی که غیردموکراتیک هستند، دست‌کم می‌تواند سرعت فروپاشی سریع نظام امنیت منطقه‌ای را کاهش دهد و به تقویت ثبات عمومی بینجامد. از دید مسکو هرگونه جاه‌طلبی برای بهبود وضعیت ملت‌ها منجر به انفجار کنترل‌نشده سیاسی و اجتماعی و ازهم‌پاشیدن نهادهای می‌شود که بهترین فرصت را برای تروریست‌ها به منظور پرکردن خلا فراهم خواهد کرد

سوریه تقویت شده و معادلات سیاسی و نظامی در سوریه تغییر کرده است. روسیه نیز ظرفیت‌های نظامی خود را به نمایش گذاشت. اکنون نقش و نفوذ روسیه در عرصه بین‌المللی افزایش یافته است. پوتین مشاهده کرد اکنون فرصت خوبی است در زمانی که روسیه در اوج موفقیت قرار دارد عقب‌نشینی کند. پیش از آنکه شرایط دچار تغییرات احتمالی شود. او از درگیر شدن احتمالی در خاورمیانه خودداری کرد. فکر نمی‌کنم آقای پوتین هیچ‌گونه تضمینی از غرب دریافت کرده باشد. او تنها به این موضوع اعتماد دارد که روسیه اکنون بیش از هر بازیگر دیگری از قدرت نفوذ بالایی برخوردار است.

❧ آیا می‌توان تصمیم اخیر پرزیدنت پوتین را نشانه‌ای از این موضوع قلمداد کرد که مسکو سازش با مخالفان میانه‌روی سوری را پذیرفته

اروپا و تناقض مهار تروریسم

فرشید جعفری ـ استادیار روابط بین‌الملل

فرانسه مسدود شد، اندیشه شگنیکسم به‌ناکه به کما رفت. نیروهای ذاتی سیاست بین‌الملل اتحادیه اروپا را که بعد از تأسیس منطقه یورو که به جامعه‌بودن خویش می‌بالید، با چالش جدی مواجه کرد. اتحادیه اروپا بعد از حملات تروریستی پاریس و بروکسل چگونه خواهد توانست هویت جمعی خویش را بازتولید کند؟

اتحادیه اروپا به‌عنوان پارادایم هم‌گرایی در جهان پس‌را‌دادن دیگری‌هایی از نوع دولت – ملت در کنار خود تدریجا فرم هویت خود را تکمیل می‌کرد. این اتحادیه تا آنجا پیش رفته بود که در آستانه پرکردن ردیف خالی قدرت بزرگ در این فرم هویتی بود به گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ میلادی و حتی در دهه نخست قرن بیست‌ویکم به دلیل قوت‌گرفتن هویت جمعی این اتحادیه، بسیاری از تحلیلگران، جهت حرکت ساختار سیستم بین‌المللی را به سوی یک ساختار چندقطبی و اتحادیه اروپا به‌عنوان نامزد یکی از این قطب‌ها پیش‌بینی می‌کردند.

قطب‌های دیگر با دوست بودند یا رقیب و به‌همین‌دلیل بود که این اتحادیه به‌سهولت می‌توانست در قالب با شکوه خود رونق بگیرد و به‌دلیل سرمشق‌بودن برای دیگر مناطق به خود ببالد. اما اکنون این دیگری نه در مقام یک دوست یا رقیب، بلکه در جایگاه یک دشمن خونی قرار گرفته است؛ دشمنی که به‌طور محسوس و ملموس قابل رؤیت و درک‌کردنی نیست و به‌راحتی نمی‌توان برای مقابله با آن دکترین تدوین کرد.

به‌نظر می‌رسد یکایک ۲۸ عضو اتحادیه اروپا و همچنین داعشیان هیچ‌یک از موضوع آسیب حملات تروریستی پاریس و بروکسل فهم درستی ندارند. داعشیان به دلیل اینکه دو کشور اروپایی فرانسه و بلژیک را آماج حملات خود قرار داده‌اند، در انزوا یا بشکوه، بازگشت خویش را



نورثن اعتراض‌السلطنه

ضرب المثلّی روسی می‌گوید: «اقدامات عملی صدایی بلندتر از واژگان دارند» که مضمونش همان «به عمل کار برآید به سخن دانی نیست» سعدی ماست. این گفته نفخ شاید مصداق تصمیم اخیر «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری پراگماتیست روسیه در صدور فرمان عقب‌نشینی نیروهایش از سوریه باشد، تصمیمی که همگان به‌ویژه تحلیلگران غربی را شگفت‌زده کرد و سبب شد نظرات متفاوتی برای تحلیل علت این تصمیم بیان کنند؛ از کسب امتیاز پوتین از غرب تا فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها به همراه کاهش قیمت نفت و مصالحه با ایوزیسیون سوری. «فیودور لوکیانوف» رئیس شورای سیاست‌گذاری خارجی و دفاعی روسیه و از مهم‌ترین مشاوران کرملین اما نظر متفاوتی دارد. لوکیانوف که بیشتر دوست دارد با عنوان سردبیر مجله «روسیه در امور جهانی» (Russia in Global Affairs) معرفی‌اش کنند اما منابع غربی تحت عنوان اصلی‌ترین مشاور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه از او یاد می‌کنند. معتقد است که روسیه به اهداف سیاسی و نظامی مدنظر خود دست یافت و پوتین در اوج موفقیت تصمیم گرفت نیروهایش را از سوریه خارج کند. او در گفت‌وگو با «شرق» از زوایای مختلف تصمیم اخیر پوتین در قبال بحران سوریه و پیامدهای آن گفت.

❧ ارزیابی شما درباره تصمیم اخیر پوتین برای صدور فرمان خروج نیروهای روسی از سوریه چیست؟ آیا این یک تصمیم سیاسی بود یا دارای ماهیت امنیتی – نظامی؟ مشاوران آقای پوتین از جمله شما تا چه اندازه در این تصمیم‌گیری نقش داشتید؟

پرزیدنت پوتین رهبر نهایی روسیه است و همه تصمیمات مهم شخصاً توسط او اتخاذ می‌شوند. البته او به مشاوره‌های مشاورانش گوش می‌دهد اما تصمیم نهایی با اوست. من دراین‌باره به او مشاوره‌ای نداده‌ام چراکه هیچ‌گاه مشاورش نبودم و نیستم. واقعیت آن است که ابتدا نیز گفته شده بود عملیات برای زمان محدودی ادامه خواهد یافت و قرار بر حضور نظامی

گسترده دائمی در سوریه نیست. یکی از علل تعجب غرب این است که چارچوب مفهومی آنان از روسیه متفاوت است. از نقطه‌نظر مسکو حمایت از دولت‌های مشروع، حتی آنهایی که غیردموکراتیک هستند، دست‌کم می‌تواند سرعت فروپاشی سریع نظام امنیت منطقه‌ای را کاهش دهد و

اما در برابر دشمنی که نام دولت –ملت را یدک نمی‌کشد و قواعد بازی سیاست بین‌الملل را نمی‌داند، چه باید کرد؟ حرفه‌ای‌ترین و قدرتمندترین دولت–ملت‌ها در برابر یک دشمن غیرحرفه‌ای که هویت دیگری غیر از دولت – ملت دارد، سرانجامی جز بلاتکلیفی و سرگردانی ندارند.

تداوم این بلاتکلیفی به‌نظر می‌رسد همه مساعی آنان را در رسیدن به اروپای واحد یا به عبارت بهتر جامعه اروپا با مشکلاتی مواجه کند. آیا دولت–ملت‌های اروپایی در یک نقطه عطف گذر تاریخی قرار گرفته‌اند؟ آیا ما آدمیانی که در این روزگار زندگی می‌کنیم، می‌توانیم مصداق دیگری برای این سخن گوته، فیلسوف و شاعر آلمانی، باشیم که بعد از فروشنستن نبرد فرانسه و پروس در دهکده والمی در سال ۱۷۹۲ در شب بعد از جنگ این جمله تاریخی را بیان کرد: «از امروز عصر جدیدی آغاز می‌شود و شما می‌توانید بگویید هنگام تولد این عصر حضور داشته‌اید.»

به دنبال حملات تروریستی در بروکسل زمانی که میرز بلژیک و